

مسئولیت دولت‌ها و جرائم بین‌المللی^۱

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۹/۲۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۱۲/۱۰)

آی‌دا بزرگر

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده:

مفهوم جرائم بین‌المللی در قانون بین‌المللی نسبتاً جدید است و از زمان جنگ جهانی دوم علاوه بر این که مضمون‌های متعددی داشته، مقدار زیادی از سرمایه‌ی هر کشور را به خود اختصاص داده است. در اواخر جنگ جهانی اول، به این مسئله توجه بسیاری شد که وظیفه‌ی امپراطور پیشین و یلهلم دوم و دیگر مسئولان عالی رتبه در قبال جنگ و جنایات مرتکب شده در طی جنگ چیست؟ کمیسیون پانزدهم توسط کنفرانس مقدماتی صلح در پایان جنگ جهانی اول مقرر شد تا به مشکل ایجاد شده توسط این کشورها رسیدگی کند این مشکل به دلیل مرتکب شدن این کشورها به هتک حرمت‌های شرم‌آور از قوانین بین‌المللی و قوانین ملتها ایجاد شد، اما در نهایت این استنتاج شد که "هیچ جنایتکاری متهم نیست". یک اعتراض محض که برای کنفرانس مطبوع بود. هر چند کمیسیون تأکید کرد که این امر برای ضمانت اجرایی برای چنین تجاوزات و خشونت‌های بزرگ از اصول اولیه‌ی قوانین بین‌المللی در آینده مطلوب می‌باشد. این فکر در سالهای اخیر به دلیل جنایات مرتکب شده در درگیری‌ها کشمکش‌های مسلحانه داخلی و بین‌المللی پول و ارز و منابع زیادی را به خود اختصاص داده است، مانند جنایاتی که کشور‌های یوگوسلاوی سابق، رواندا و سیرالئون رخ داد و آن‌ها را درگیر کرد. هیات حاکمه دیوان کیفری بین‌المللی رویداد مهم دیگری است که اکنون یک سیستم واقعی از دادرسی کیفری بین‌المللی را اعلام و اجرا کرده است. اکنون این امر برای بررسی مجموعه‌ای از واکنش‌ها مناسب است زیرا می‌تواند به عنوان جرائم بین‌المللی و دستاورد‌های منطقی تلقی شود که چنین جرایمی را از راه مسئولیت و وظایف دولت‌ها دنبال می‌کند.

واژگان کلیدی: جرائم بین‌المللی، جرائم جنگی، صلح و دوستی، نزاع و جنگ، دیوان دادگستری

بین‌المللی

^۱ این مقاله با عنوان International Crimes and State Responsibility از کتاب مجموعه مقالات Oscar Schechter Today Essays in Memory of International Responsibility ویرایش شده توسط Maurizio Ragazzi نشر توسط MARTINUS NIJHOFF PUBLISHERS در LEIDEN / BOSTON است که توسط نویسنده مسئول ترجمه شده است.





بخش اول: انواع جرائم بین المللی و نتایج منطقی آن ها

جرائم مغایر با صلح، جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت اولین گروه جرائم هستند که به عنوان جرائم مستحق مجازات شناخته شده اند. این جرائم تحت معاهده لندن در اساسنامه ی دیوان دادگستری بین المللی در اگوست ۱۹۴۵ قابل کیفر شدند. جرم مغایر با صلح به عنوان انگیزه یک جنگ خشونت آمیز یا یک جنگ برای نقض پیمان های بین المللی، توافقات یا قراردادهای مشخص شده اند. نقض قوانین یا رسوم جنگ (درست جنگیدن) تحت پوشش جرائم جنگی قرار می گیرند. جرائم مخالف و علیه بشریت به قتل، نابودی، نسل کشی، اسیر کردن، اخراج و دیگر اعمال مخالف بشریت ارجاع داده می شود که بر علیه جمعیت غیر نظامی قبل یا در خلال جنگ با آزار و اذیت و ظلم و ستم های سیاسی، نژادی یا در زمینه های مذهبی در اعدام یا در ارتباط با هر جرم در حوزه قضایی دیوان شکل گرفته، اعمال شود، چه قوانین داخلی کشور انجام دهنده یا محل وقوع جرم را نقض کند یا نکند. قوانین و رسوم جنگی می تواند در ابتدا مشخص شوند، چنانچه تنها منحصر به کنفرانس های صلح لاهه در سال های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ نباشد، و سپس در چهار کنفرانس گینه در سال ۱۹۴۹ بسط یافتند. اگر چه تجاوزات تحت این کنگره ها تنها می توانست در دادرسی ملی تحت پیگرد قرار گیرد. از سوی دیگر هدف و مسیر نورنبرگ (و دادگاه جنگی وابسته به خاور دور)^۱ که هماهنگ با منش و خوی بین المللی بودند.

تفکر و عقیده ای که در پشت خطوط بین المللی برای جرائم برگزیده شده وجود دارد یکی از عقاید ارزنده ای است که عدالت را بی خطر می سازد. این خطوط به این معنا نیست که اینها تنها برای آوردن مباشران جرائم به دادگستری باشد همچنین مباشران بالقوه و آینده جرائم را متوجه می سازد که در صورت مرتکب شدن به چنین اعمال خلافی معاف از مجازات نیستند. در نتیجه برخی تاثیرات بازدارنده در ساختار عقاید در مورد جرائم وجود دارند. در صورتی که نظر خوبی که به ذهن خطوط کرده بود و مراحل اولیه ی قوانین کیفری و بین المللی را ساخته بود که همان خطوط توکیو و نورنبرگ بودند و به قدری نقض شده بودند که تنها در جهتی که متعلق به ارتش شکست خورده بود،

۱- دادگاه نورنبرگ در ۲۰ نوامبر ۱۹۴۵ میلادی پس از پایان جنگ جهانی دوم به منظور محاکمه ۲۲ تن از رهبران آلمان نازی که باعث کشته شدن بیش از ۵۰ میلیون نفر و متلاشی شدن زندگی میلیون ها انسان بودند، توسط متفقین و جبهه پیروز جنگ جهانی دوم تشکیل شد. این دادگاه در شهر نورنبرگ آلمان برگزار شد و هشت قاضی از آمریکا، بریتانیا، روسیه و فرانسوی بودند.

متهم می شدند. بعلاوه تحت سلطه ی قدرتهای پیروز ایجاد شدند و مورد استفاده قرار گرفتند. در عوض به طور خلاصه در طبقات شکست خورده اجرا می شدند، قدرتهای پیروز آنها را برای یک عملکرد قضایی ارائه داده بودند، هر چند یک جانبه، قبل از فتوی دادن در مورد حکم ها اجرا می شود. بنابراین این خطوط از فقدان ارزش های قضایی و مشروع رنج می برند، به همین دلیل قوانینی که در لیستها بودند به وضوح مقررات مصوب توسط حقوق بین الملل نبودند. رادهاینود پال، عضو برجسته ی دیوان دادرسی ارتش بین المللی خاورمیانه تاکید کرد:

هر چند دیدگاههای منطقی یا دیدگاه های دیگر از یک جنگ ممکن است مورد قبول باشد، اما پیروزی، کامیابی و قدرت بدون حد و مرز کنونی را شامل نمی شود. قوانین بین المللی جنگ معین می شوند و حقوق و وظایف فاتح و پیروز را در قبال اشخاص ملت شکست خورده تنظیم می کنند. بنابراین، در قضاوت من، رفتن به آن سوی مقررات قوانین بین المللی بیش از لیاقت و شایستگی هر ملت پیروز است چنانکه آنها وجود دارند، معانی جدیدی از جرم می دهد و سپس بر طبق این معانی جدید زندانیان را به دلیل تخلف مرتکب شده مجازات می کند. همچنین اشکار بود که خطوط نورنبرگ و توکیو به طور موقت و در سطح جهانی بر اساس سیستم بین المللی کیفر جرائم در نظر گرفته شده بودند. یک چنین سیستمی تنها از یک نظامنامه ی بین المللی جرائم تنظیم نشده بود و نیز یک مجموعه مفصل از اصول مشابه و بدون تبعیض که حوزه ی قضایی بین المللی جنایی را تعیین می کنند و توسط دادگاه جرایم ثابت بین المللی اداره می شوند. این وظایف یکی از شیفتگی ها و تمایلات اولیه ی سازمانهای ملل متحد شدند. به دنبال ماده ی ۱۳ منشور ملل متحد، سازمان ملل متحد این قوانین را به کمیسیون قوانین بین المللی تفویض کرد، همچنین برای تنظیم اصول و قوانین بین المللی مشخص شده در منشور و قضاوت دیوان محاکمات نورنبرگ واگذار شدند.

بند اول: بررسی حقوقی موضوع

وظیفه ی کمیسیون حقوق بین الملل در تنظیم اصول نورنبرگ مختصر بود. و به طور مشخص مقدار اصولی را که منشور حاوی آن است، و اصول دادرسی وضع شده از قوانین بین المللی را معلوم نکرده است، چنانکه اینها به اتفاق آراء توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطع نامه ی ۹۵ (I) ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ تصریح شده بودند. کمیسیون فقط آن ها را در هفت اصل تنظیم کرد، به همراه تفسیرها و ارسال آنها به مجمع عمومی بدون این که عمل دیگری را پیشنهاد کند. مجمع عمومی





توسط قطع نامه ی ۴۸۸(V)، ۱۲ دسامبر ۱۹۵۱، به ترتیب آنها را برای تفسیر دولت ها و کمیسیون درخواست دهنده ارسال کرد تا به آماده کردن نظامنامه ی پیش نویس درباره ی تخلفات صلح و امنیت انسان توجه کنند.

علاوه بر این کار کمیسیون در دادرسی جرائم بین المللی خیلی موفق نبود. در حین تفکر و بررسی دقیق پیش نویس اساس نامه یک دادگاه کیفری بین المللی، برای تاسیس یک دادگاه و دیوان بین المللی کیفری مطلوب دانسته شده است، اما هیچ پیشنهاد مشخصی وجود نداشت که به قوانین سازمان ملل متحد مرتبط شود. در هر صورت، به عنوان یک بازو دیوان بین المللی دادگستری^۱ مقرر نمی شود. مجمع عمومی تصمیم گرفت رسیدگی به پیش نویس های کمیسیون را در این باره به تاخیر بیندازد تا فرصت توجه به نتیجه کار تمام شده اش را در مورد تعریف تجاوز ارضی (حمله) داشته باشد و به کار کمیسیون درباره قانون طرح های پیش نویس تعرضات مخالف صلح و امنیت بشریت توجه کند.

کار این مقررات در دو مرحله است: ابتدا از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۴، و سپس از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۶. کمیسیون دومین مقررات پیش نویس شده ی خود را در سال ۱۹۹۶ کامل کرد. در سال ۱۹۵۴، زمانی که کار کمیسیون در مقررات پیش نویس شده ی دچار وقفه شد منتظر نتایج کار مجمع عمومی در تعریف تهاجم و تجاوز شد، کمیسیون اولین نسخه ی مقررات پیش نویس شده ی را پذیرفت و چندین اصل را به مرحله ی پایانی رساند. بسیاری از اصول آن از بررسی دقیق فرمول بندی های نورنبرگ گرفته شد، و آنها را در سبک تحریم منشور در طرح ۲، (۴) فوریت، مورد تجدید نظر قرار گرفتند و اصل مربوط به حق صیانت از نفس که ماده ی ۵۱ شامل آن می شود. به علاوه، فعالیت هایی که گروه ها را مسلح می کند یورش و هجوم هایی در سرزمین های دیگر ایجاد می کند یا سبب انگیزه ای برای نزاع و درگیری غیرنظامیان شود یا علتی برای فعالیت های تروریستی در کشورهای دیگر باشد یا سبب بردباری و تحمل کشورهای دیگر شود شامل لیست تخلفات علیه صلح و امنیت بشریت می شوند. تجاوز از توافقاتی که در تضمین صلح و امنیت جهانی هدف قرار گرفته اند، ضمیمه ی یک سرزمین بیگانه در سریچی از قوانین بین المللی، مداخله ی زورگویانه در امور داخلی کشور دیگر به زور برنامه ریزی کردن همچنین شامل تخلفات در مقوله ی یکسان می شود. علاوه بر این،

1 - International Court of Justice

اعمال قتل عام یا دیگر اعمال برنامه ریزی شده برای نابودی کامل فیزیکی یک گروه یا به طور کلی جنایات مخالف بشریت و کارهایی برای نقض قوانین یا مقررات جنگ، شامل این مقررات می شوند. یک تمایز مهم که بین جنایات مغایر با قوانین بین المللی و جنایات تحت قوانین بین الملل نشان داده شده این است که مورد اول تجاوز و تخطی از مقررات پیش نویس است. از طرف دیگر دزدی دریایی، بردگی، دادو ستد مواد مخدر، تجارت زنان و کودکان، جعل پول و ارز و آسیب رساندن به کابل های زیر دریایی، به طور کلی جرائمی هستند که خالی از هر محدودیت سیاسی هستند، که به عنوان جرائم تحت حقوق بین المللی به آنها نگریسته می شود که پیگیری آن ها به عهده ی دولت ها می باشد. نکته ی مهم سیاسی دیگری که در ماده ی ۱ از مقررات پیش نویس تأیید شده این است که حتی با وجود این که جرائم مخالف حقوق بین الملل، به طور انکار ناپذیری قابل انتساب یا اعمال خود دولت ها بودند، اما تنها اشخاصی که آن جرائم را مرتکب می شدند مجازات می شدند؛ نه دولتها. این امر با قضاوت و دادرسی نورنبرگ همسان بود، به موجب آن جرائم مخالف حقوق بین المللی که توسط اشخاص انجام می شود نه توسط نهاد های انتزاعی، و با مجازات اشخاصی که مرتکب یک چنین جرائمی شده اند می توان طبق مواد قوانین بین المللی اجرا شود.

بنابراین از آغاز مذاکرات درباره ی جرائم در حقوق بین المللی یک معضل وجود داشته است. از طرف دیگر، اعمال مسلم خلاف قانون دولت ها، که یک مجموعه ی عظیم از وظایف می باشد که باید به دولتها محول شود. این هرگز برای معرفی مفهوم جدید وظایف کیفی دولت ها در نظر گرفته نشده است، مشابه همین مورد وظایف کیفری اشخاص تحت قوانین ملی است. تقریباً هیچ توافقی در این مورد وجود ندارد که "مقررات مسئولیت بین المللی نه مدنی و نه کیفری است و این صرفاً و کاملاً بین المللی است."

همچنین به نظر می رسد مفهوم جرائم بین المللی یک مصداق از گرایش وضع شده برای تمیز بین تعهدات مشترک حقوق بین المللی و تعهدات ویژه ای که برای محافظت علایق و مشترکات اساسی جامعه ی بین المللی ضروری هستند، می باشد. این گرایش از امتیاز نامه سال ۱۹۴۵ اقتباس شد. به عنوان مثال جورج ابی صعب^۱ در مورد این مفهوم مشخص توضیح می دهد که "ارزش های مشترک

۱- جورج میشل ابی صعب Georges Michel Abi-Saab پرفسور مصری حقوق بین الملل در مرکز پژوهش های ژنو و قاضی بین المللی متولد ۹ June ۱۹۳۳





مسلم یا تمایلات برتر، که موافق با حفاظت از صلح و امنیت بین المللی در نظامنامه باشد و صلح و امنیت را با محافظت قانونی بیشتر و با متصل کردن به نتایج مسلم با جلوگیری از تجاوز از معیارهای حفاظتی آنها در بر بگیرد." در انعکاس این گرایش، طرح پیش نویس شده ی ۱۹ در مورد وظایف دولت در اولین قرائت در کمیسیون حقوق بین المللی در سال ۱۹۷۶ پذیرفته شد. کسانی که این طرح را قبول کردند امیدوار بودند که دولت ها به طور مسلم تجاوزات و سرپیچی ها را به عنوان جرائم دولتها بپذیرند، و هر کاری را برای جلوگیری از ارتکاب این اعمال خلاف انجام دهند.

از طرف دیگر، هرچند در مورد چنین جرائمی، آشکار است که دولت ها، هستی انتزاعی دارند، یعنی تنها اشخاصی که جرائم را باور کرده اند و مرتکب شده اند باید مجازات شوند؛ در حالیکه مشخص نیست که آیا باید خود دولت برخی از وظایف را بر عهده بگیرد؟ اگر چنین است با چه نتایج و پیامدهایی؟ به طور خلاصه، بسیاری از برداشته ها از جرائم دولت ها با عناصر ناخوشایند، غیر واقع بینانه و مسلم در تعارض و تضاد بودند اما با گرایش عاقلانه و قابل قبول و عنایت به وظایف کیفری اشخاص مخالف نبودند. به طور مثال برونلی^۱ معتقد بود که مفهوم هیچ ارزش قانونی ندارد، او اضافه کرد در حالی که اصولاً مطیع کردن دولت ها به تصویبات هیات ممکن است، اما این امر تنها می توانست بی ثباتی و ناپایداری را بوجود آورد.

به علاوه کشمکش ها نتایج مربوط به هیات حاکمه یک دیوان بین المللی کیفری و اختصاصی کیفرها برای جرائم پذیرفته شده و به عنوان بخشی از طرح پیش نویس شده می باشد.

عملکرد مقررات پیش نویس شده درباره ی تخلفات در طی سال های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۱ پیشرفت کرد، هرچند منجر به حل و فصل نتایج مشاجره انگیز نشد. در پایان اولین قرائت دوازده جرم معرفی شدند که حاوی مقررات پیش نویس شده بودند. از این دوازده جرم، تهاجم، استعمارگری، نظام آفاتاید (نژاد پرستی) و آسیب جلدی به محیط جرائمی هستند که در طرح پیش نویس شده ی ۱۹ درباره ی وظایف دولت که در اولین قرائت توسط کمیسیون حقوق بین الملل تصویب شد. بنابراین این جرائم به عنوان ضمانت اجرایی مقررات حقوق بین الملل تلقی می شوند. باید به این امر توجه

۶- ایان برونلی Ian Brownlie استاد برجسته بریتانیایی حقوق بین الملل متولد Liverpool، ۱۹۳۲ September ۱۹ و وفات

در ۳ January, ۲۰۱۰, Cairo

شود که عملکرد اصل ۱۹ و به طور کلی طرح های پیش نویس شده درباره ی وظایف دولت، جزء رسیدگی به مقررات اولیه نیست. تا اندازه ای، سخنان ابی صعب به این معنی است که "توسط نمونه هایی که نتایج وخیم تخلف از چنین قوانینی که بخشی از قوانین معتبر هستند، اثبات می شود و نه این که فقط به موجب قانون اثبات شود."

موضوع تشخیص "تهاجم" برای حل مسائل به میزان وسیع، به دلیل پیشرفت های مشابه در این زمینه در سازمان ملل است. پس از چندین سال از تصمیمات مجمع عمومی با اتفاق نظر تعریف و معنی تجاوز در سال ۱۹۷۴ کامل شد. این تعریف شامل محدودیت هایی است که در مقررات پیش نویس شده ی سال ۱۹۵۴ ضمیمه شده است. یک سری اعمال مسلحانه ی ویژه در اصل ۳ از تعریف تجاوز بیان شده، که بیزاری از اعلام جنگ می تواند در ابتدای امر نشانه ی یک عمل تجاوزکارانه باشد. همچنین مقررات پیش نویس شده ی سال ۱۹۵۴ شامل یک ممنوعیت محافظت از خود برای اشخاصی که اعمال تروریستی یا اعمالی برخلاف دولت های دیگر مانند یک عمل تهاجمی انجام می دهند، میباشد اما این معنی در تعریف تجاوز در مضمون مصوبات سال ۱۹۷۴ در تعریف تجاوز نبود. عملکرد کمیسیون حقوق بین الملل در مقررات سرپیچی (عقب گرد)، در سال ۱۹۹۱ کامل شد، و در سال ۱۹۷۴ تعریف تجاوز یکپارچه گیردید با این امید ممکن است این تعریف به عنوان وضع قانون بین المللی مورد توجه قرار گرفته باشد.

۲۱۵



جرائم استعمارگری، نژاد پرستی و مداخله اکثرا با ارجاع به قطعنامه ها و توصیه نامه ها مربوط به سازمان ملل متحد مشخص شده بودند، که شامل اعلامیه اصول و قوانین بین الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری بین دولت ها بر حسب منشور سازمان ملل متحد می باشد. به کارگیری، تعلیم و تربیت و تدارکات مالی مزدورانه یکی دیگر از جنایات است. تعریف "مزدور" از تعریفی که در پاراگراف ۱ از ماده ۱ کنگره ی بین المللی مخالفت با سربازگیری بود، گرفته می شود، که در امور مالی و تعلیم و تربیت مزدوران به کار گرفته می شود، که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۴ دسامبر ۱۹۸۹ تصویب شد. بعلاوه ماده ی ۳ (g) در تعریف تجاوز و ماده ی ۴۷ در سال ۱۹۷۷ پروتکل اضافی یک کنگره گینه، همچنین برخی الهام ها برای در برگرفتن جرم مزدور گرایی در مقررات پیش نویس شده، پیش بینی و تصریح شده است. تروریسم یکی دیگر از جرائمی است که در طرح پیش نویس شده آمده است. تروریسم جرمی بود که تا کون جان بسیاری از غیر نظامیان بی

گناه را در سراسر جهان گرفته است. تعریف تصویب شده توسط کمیسیون حقوق بین المللی یک تعریف جامع و فراگیر نبود اما بر روی جنبه های حیاتی اعمال ممنوعه ی آزانس ها یا نمایندگان یک دولت در مقابل دولت دیگر و بر روی خلع شخص از حمایت قانونی متمرکز شده بود، که اساس آنها مشکل تروریسم بود. تضمین، سازمان دهی کردن، کمک و یاری کردن، فراهم کردن سرمایه، تشویق کردن و امید دادن یا تحمل و بردباری اعمال بر علیه اشخاص یا دارایی ها هدف گیری شده، یک چنین ماهیاتی مانند ایجاد یک دولت وحشتناک در ذهنها در شکلهای همگانی و گروه های اشخاص ممنوع بود. این در اصل یک نسخه ی بازبینی شده از محتوای تنظیم شده ی مقررات پیش نویس شده در سال ۱۹۵۴ بود. این تعریف نه به معانی به کار گرفته شده، مربوط می باشد و نه به جرائم خارجی مربوط می باشد، مانند وادار کردن یک دولت یا یا یک سازمان بین المللی برای انجام دادن یا امتناع از انجام عملی. مالکیت آن معین نشده بود. اینها محدودیت های هستند که آمده اند تا تعریف های بعدی تروریسم بین المللی را در بر می گیرد. قتل عام، تجاوزهای گسترده و سازمان یافته بر علیه حقوق بشر و به استثنای جرائم جنگی مسلم و آشکار، تخلفات دیگری هستند که تاکنون موضوع عهد نامه ها و مذاکرات بین المللی بوده است. گردهمایی درباره ی جلوگیری و مجازات جرم نسل کشی، توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۴۸ تصویب شد، اصول لازم برای تعریف نسل کشی تهیه شده است. جرم تجاوزات گسترده و سازمان یافته بر علیه حقوق بشر از ماده ی ۱۹۵۴ ناشی شده و در بررسی رویدادهای بعدی تصویب شد. این شامل موارد جدا شده آدم کشی، نژاد پرستی، بردگی یا اجبار کارگران، اخراج یا آزار و اذیت مرتکب شده بر علیه جمعیت غیر نظامی نمی شود. اما به عنوان مثال اعمالی که بخشی از یک دولت یا گروه سیاسی مرتکب شده یا برای ضربه زدن به اشخاصی که بالفعل قدرت دارند، طراحی شده است یا گروه های آدم کشی سازمان یافته، باید مجازات شوند. همچنین این نوع جرم، به جرمهای خلاف بشریت ارجاع داده شدند. نوع دیگر جرم، جرم جنگی، که تنها تجاوزات مسلم از حقوق انسان دوستانه ی بین المللی را در بر می گیرد چنانکه در ماده ی ۲۲ از مقررات پیش نویس شده تصریح شده بود.

تعریف آپارتاید یا نژاد پرستی که از کنگره ی بین المللی درباره ی سرکوبی و مجازات جرم نژاد پرستی مطرح شده بود و توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۷۸ تصویب شد. در این جا شک و تردیدهایی درباره ی دو جرم دیگر وجود دارد که شامل این موارد می شود: حمل و نقل غیر قانونی



داروها و مواد مخدر و آسیب عمدی و جدی به محیط زیست به طور کلی. که آسیب جدی به محیط زیست به عنوان نمونه ای از جرم بین المللی در ماده ی ۱۹ طرح پیش نویس در خصوص وظایف دولت به آن اشاره شده است.

مخالفت شدید دولت های اروپای غربی، ایالات متحده و کشورهای دیگر، برای لیست بلند جرائم که در اولین قرائت تصویب شدند و در مذاکرات بعدی در طرح پیش نویس شده قرار گرفت. این دولتها با به حساب آوردن این جرائم؛ استعمارگری، نژاد پرستی، تروریسم، اعمال مزدورگری، حمل و نقل داروهای مخدر و آسیب عمدی و جدی به محیط زیست در پیش نویس مخالفت کردند. با برخی از این جرائم به دلیل این که تنها اهمیت تاریخی دارند مخالفت شد، با برخی دیگر به دلیل وجود مشاجره ها، و با برخی دیگر به دلیل وجود ارزشمند ساماندهی از طریق قوانین ملی، یا به دلیل این که اجزاء جرائم جنگی یا جرائم خلاف بشریت را در بر می گیرند مخالفت شد. از طرف دیگر کشورهای توسعه یافته از حفاظت در زمینه ی جرائمی که در تمام زمانها مسلم و قابل اعتراض هستند، و هر آنچه که ممکن است نشانه های آنها ظاهر شود، طرفداری کردند. در همین زمینه، کنگره ها و اظهارنامه های گوناگون در مورد یک توافق همه جانبه ی جوامع بین المللی درباره ی رضایت بهنجار از این جرائم نمایان شد. چنانچه با سقوط اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد حمایت برای احاطه ی این جرائم ضعیف شده بود، کمیسیون آنها را از مقررات پیش نویس حذف کرد و در قرائت دوم در سال ۱۹۹۶ کامل شد. چنانکه زمانی که مقررات بازنویسی شدند تنها شامل پنج جرم بودند: تجاوز، قتل عام، جرائم مخالف بشریت (اعمال مسلم که در رفتارهای سازمان یافته یا به میزان وسیع انجام شود و توسط یک حکومت یا هر سازمان یا گروهی هدایت شود)، جرائم جنگی مسلم مرتکب شده در نقض قانون انسان دوستانه ی بین المللی (خواه در بین الملل یا در کشمکش های مسلحانه ی داخلی، یا به روش سازمان یافته انجام می شود یا در میزان وسیع) و جرائم مخالف سازمان ملل و وابسته به اشخاص می باشد. هر چند از برخی از اعضاء سپاسگزاری می شود به دلیل این که قبل از تصویب طرح های پیش نویس شده برای بازبینی نسخه اصلاح شده ی قوانین بین الملل اصرار کردند و کمیسیون یک توافق مهم را گزارش کرد که در ذیل بیان می شود:

با یک دیدگاه برای رسیدن به اتفاق نظر همگان، کمیسیون به طرز قابل ملاحظه ای محدوده ی مقررات را کاهش داد. در قرائت اول در سال ۱۹۹۱، مقررات پیش نویس شده شامل لیستی از ۱۲ جرم بود. برخی از اعضا ابراز تاسف خود را از کاهش پوشش مقررات نمایان کردند. کمیسیون





وانمود به پاسخ برای تمایل به اتخاذ و تصویب مقررات کرد و حمایت دولتها را بدست آورد. اینچنین فهمیده می‌شد که شمول جرائم مسلم در مقررات تأثیری بر وضعیت جرائم دیگر تحت حقوق بین‌المللی نداشته است، و این که تصویب و اتخاذ مقررات به هیچ روشی از گسترش بیشتر این بخش مهم از مقررات جلوگیری نمی‌کند.

کار اتخاذ و تصویب مقررات نزدیک به چهل سال طول کشید و با جنگهای سیاسی و ایدئولوژیک شدید قابل ملاحظه شده بود. فرسودگی در بین مقررات قابل درک بود زیرا برای انتخاب یک لیست گسترده و قابل قبول جهانی از جرائم موافقت شده بود تا مقررات را در بر بگیرد اما این مقررات در برخورد با شرایط موجود ناتوان بود. گسترش محدوده برای شامل شدن همه ی جرائم مرتکب شده در مفاد، سزایهای مسلحانه ی داخلی یک سعی و تلاش برای مشخص کردن جرائم یکسان بود، چنانکه رسماً در پروتکل الحاقی در کنفرانس های گینه در سال ۱۹۴۹ به ثبت رسید، که با برخی کشورهای توسعه یافته مخالف بود. به طور مشابه شامل تخلفاتی بر ضد سازمان ملل و کشورهای وابسته می‌شد که از حمایت گسترده ای برخوردار نبودند. کمیسیون سازمان ملل متحد برای امنیت سازمان ملل و کشورهای وابسته در سال ۱۹۹۴، برای تمام علت‌های با ارزش خود خدمت کردن را هدف خود قرار داد، که از سختی‌ها و دشواریها در امان نبود. مشکل اساسی آشکار نبودن کارهای قدرت‌های حافظ امنیت از شورای امنیت تحت فصل شش VI و هفت VII منشور بود. بعلاوه، با توجه به جرائم علیه بشریت با تمرکز بر روی جرائم مرتکب شده در زمینه ی کشمکش مسلحانه شامل منشور نورنبرگ می‌شد، جرائم معین شده در مقررات پیش نویس مربوط به تجاوزهای عظیم و سازمان یافته ی حقوق بشر به این دلیل محدود نشده بودند. این امر برابر بود با پیگیری بین‌المللی یک جرم، در زمان صلح، بدون توجه به قضاوت و دادرسی داخلی یک کشور. به بیان دیگر مقررات پیش نویس شده مجموعه ای از اصول بود برای پیگیری بین‌المللی از اجحاف‌ها و سوء استفاده‌ها از حقوق بشر، یک رویداد بحث‌انگیز بود بدون این که در جوامع بین‌المللی در مورد آن اتفاق نظر باشد.

بخش دوم: جرائم بین‌المللی و دیوان‌های دادرسی

مقررات پیش نویس شده مانند یک توافق‌نامه یا یک اظهارنامه ی مجمع عمومی نبود. در عوض، این مقررات اصلی را برای پیش نویس کردن پیکره ی قوانین دادگاه کیفری بین‌المللی فراهم می‌کند که در سال ۱۹۹۸ تصویب شد. این پیکره همراه با طرح‌های دیگر پایه ریزی شده بود، یک پیش

نویس توسط کمیسیون حقوق بین الملل تهیه شد و در سال ۱۹۹۴ به مجمع عمومی ارائه شد. پیکره‌ی پیش نویس مقررات توسط کمیسیون پیشنهاد شد و این شیوه‌ی ابتکارانه تصویب شد. در ماده‌ی ۲، کمیسیون جرائم قضاوت دادگاههای آینده را مشخص کرد: قتل عام، تجاوز، نقض مسلم قوانین و سنت های مربوط به جنگ های مسلحانه، جرائم بر ضد بشریت. جرائمی که در عهد نامه های ملحق شده به نظامنامه مشخص شده است. از چهارده نظام نامه ای که در پیوست لیست شده است، شش نظام نامه به طور آشکاری مربوط به تخلفات تروریستی بود. بنابراین، طرح های کمیسیون اختلاف بین جرائم تحت قوانین عمومی بین المللی و جرائمی که به دلیل نقض شروط تعهد نامه های ویژه می باشد، مشخص شده است. علاوه بر این، در مورد قتل عام، و به عنوان جرم تحت قواعد و قوانین عمومی بین الملل بشدت قبح انگاری شده بود که برای جستجو و احراز موافقت دولت ها در مورد این جرم، عامل پیش نیازی برای دیوان نیست و هر کس که مرتکب چنین جرمی شود مجازات می شود. عملکرد کمیسیون حقوق بین الملل در مقررات پیش نویس شده ی جرائم و برقراری یک دادگاه/دیوان کیفری بین المللی از طرف برخی از بخش های سیاست های جنگ سرد مورد ملاحظه قرار گرفت. اما زمانی که وقایع وحشتناک منجر به قتل عام، نژاد پرستی، تجاوز های عظیم و سازمان یافته ی حقوق بشر و جرائم جنگی، که سر کرده های این اعمال زشت در قلب اروپا هستند، که هیات حاکمه ی یک دادگاه بین المللی و جرم های اختصاصی را تحت تاثیر قرار می دهند جرائمی که در نظامنامه و اساسنامه معین شده دادگاه/دیوان، قابل مجازات هستند؛ نه تنها یک موضوع فوری است بلکه یک موضوع نظام مند و ساختار بندی شده مهم، برای نظام عمومی جامعه بین المللی است. این واقعیتی است که در بررسی دقیق در کمیسیون درباره موضوع دادرسی کیفری بین المللی از سر گرفته شد، و از تقاضای ویژه ی مجمع عمومی سازمان ملل سرچشمه گرفته بود همچنین مشکلات ایجاد شده توسط جزائر کارائیب و برخی کشور های آمریکای لاتین و برای جبران حمل و نقل داروها و مواد مخدر آغاز شد. و شکی وجود ندارد که پس از حمله ی عراق به کویت و انجام اعمال نظامی و جنگی (تجاوز)، سازمان ملل، صدام حسین را تحت پیگرد قرار داد و با رایزنی های اصولی، اعمال ارتكابی او را مورد بررسی دقیق قرار داد. اما مطالب بدست آمده به دلیل حوادث کشورهای بالکان بیش از اندازه بود که سبب شد کمیسیون یک نظامنامه پیش نویس شده کامل را که متشکل از شصت



ماده بود در کمتر از دو سال ارائه دهد. این عمل به طور طبیعی اساسی برای هیات حاکمه بعدی و دیوان کیفری بین‌المللی پایدار شد.

مقرراتی که در کمتر از دو سال برای دادگاههای ویژه ی جرائم بین‌المللی توسط شورای امنیت ارائه شده بود با تلاش کمیسیون تسهیل شد. جرائمی که برای ملحق شدن به دادرسی در دادگاه های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق مشخص شده بودند تخلفات خطرناکی هستند که در سال ۱۹۴۹ در کنگره ی گینه مطرح شدند، مانند تخلف از قوانین و آداب جنگ، قتل عام و جنایاتی بر علیه بشریت. همچنین دادرسی یکسان در مورد همین موضوع در دیوان جرائم کیفری برای رواندا مورد رایزنی قرار گرفت. در هر دو مورد وظیفه ی اشخاص مقرر شده است و تخلفات ملحق شده مورد بررسی دقیق قرار گرفتند تا یک نوع از قوانین بین‌المللی بی شک و تردید باشند. این جرائم باید به عنوان بخشی از کشمکش مسلحانه محسوب شود. برخلاف موضوع دادرسی مشخص شده در ماده ی ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که تنها جرائم مربوط به کشمکش های مسلحانه را در بر می گیرد، خواه داخلی یا بین‌المللی، اما جرائمی که در زمان صلح بر علیه بشریت انجام می شود را در بر نمی گیرد. همچنین جرم قتل عام و آدم کشی در سطح بالا (نسل کشی) در موقعیت های نامربوط به کشمکش مسلحانه قابل رسیدگی در دادگاه ها است، حتی اگر در بیشتر موارد، به طور مشابهی به کشمکش های مسلحانه مربوط باشد باز هم در دادگاه های قابل رسیدگی است. جرم کشتن و قتل و تجاوز تنها پس از یک شرح و تعریف مورد توافق قرار می گیرد و شرایطی برای دادرسی دادگاه ها تهیه شد و مطابق با ماده ی ۱۲۱ و ۱۲۳ نظام نامه تصویب شد.

در واقع، تعریف تجاوز در مجمع عمومی قطعنامه ی ۳۳۱۴ که شامل تمام ممنوعیت ها و اعمالی است که برای تعیین جرم در قطعنامه واجد شرایط هستند. هر چند به طور قانونی محدود به شورای امنیت نمی شود، اما عملا از وظایف اولیه آن برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می باشد، تعریف قتل عام و آدم کشی در قطعنامه ی ۳۳۱۴ تا اندازه ای تکمیل شد.

هر تلاش و کوشش برای این تعریف با دیدگاهی برای مطابقت این تعریف با نیازها و درخواست های دیوان کیفری بین‌المللی مملو از خطر جدی آسیب رساندن و ضعیف کردن اتفاق نظر همگانی است که به طور دقیق برای آن تعریف ایجاد شده است. این ارزش عظیم تنها در تاکید آن بر روی ستیز و کشمکش مسلحانه قرار دارد و همانند مبانی داخلی در تشخیص قتل عام است همچنین فهرست



فراگیر و دقیق مشکل از یک چنین کشمکش های مسلحانه ای است که در مفهوم این تعریف قرار دارد. به علاوه این اعمال به ویژه به پاراگراف ۳ اشاره می کند، که به عنوان یک بخش از قوانین مرسوم بین المللی تلقی می شود. رفتار های فهرست شده در پایین پاراگراف ۳ تنها یک عامل حیاتی برای تعریف قتل عام نیست بلکه این تعریف از یک عامل بنیادی برای رفتار مداخله در تمام محدوده های تروریسم تشکیل شده است مانند اعمال خلاف قانون. در این جا علت دیگری برای نگهداری تعریف قطعنامه ی ۳۳۱۴ وجود دارد. زمان زیادی صرف می شود برای این که یک تعریف شکل بگیرد و در این فاصله، کسانی که مقصر بیشترین جنایات شرم آور هستند، جنایاتی که ممکن است در این مدت به تاخیر افتاده باشد، تعقیب می شوند.

بنابراین موضوع مذاکرات کنونی درباره ی تهاجم/تجاوز (اقدام نظامی و حمله) نباید پایه ها یا رفتارهای تهاجمی باشد، اما ترجیحا مطابق با استاندارد های قانونی مربوط در ارزیابی باشد و مدارک کافی برای اطمینان از وقوع یک جرم وجود داشته باشد.

درباره ی مسئله ی ارتباط بین دیوان کیفری بین المللی و شورای امنیت، جا برای برخی از تفکرات نوین وجود دارد و این مسئله ی جدیدی نیست. برای مثال کمیسیون حقوق بین المللی زمانی که نظامنامه ی پیش نویس شده را در غالب یک دادگاه جرائم بین المللی در سال ۱۹۹۴ تصویب می کرد، آن را در نظر گرفته است. در آن زمان کمیسیون پیشنهاد کرد که پیگیری جرائم نظامنامه نباید قبل از دادگاه اتفاق بیفتد مگر این که دادگاه شورای امنیت، فرصتی برای اعلام حکم قطعی در مورد یک تهاجم داشته باشد. بعلاوه طرح پیش نویس شده ی ۲۳ آشکارا تصریح کرد که پیگیری نباید شروع شود مگر این که موقعیت و شرایط توسط شورای امنیت بررسی شده باشد، و شورای امنیت چیزی غیر از این را تصمیم بگیرد.

قتل عام، جرائم و جنایات جنگی و جرائم علیه بشریت به طور یکپارچه به عنوان جرائم بین المللی بزرگ شناخته شده اند بدون این که دادگاه کیفری بین المللی آن را تصریح کند. در تعریف قتل عام و نسل کشی بحثی نیست، چنانکه به طور آشکار در اصول طرح دوم اجلاس سال ۱۹۴۸ به ثبوت رسیده است. در مورد جرائم بر علیه بشریت، آنها در ماده ی ۷ اساس نامه دیوان کیفری بین المللی معین شده اند که قوانین بین المللی مرسوم را نشان می دهند. این جرائم از جرائم جنگی جدا هستند، هر چند گاهی اوقات با آن ها مرتبط هستند و به دلیل اهداف نظامنامه به ستیز و کشمکش ها جنگی



مرتبط نیستند. تنها اگر به میزان وسیعی انجام شود یا در روشهای سازمان یافته بر علیه جمعیت غیر نظامی باشد، باید پیگیری شوند. از طرف دیگر جرائم جنگی تنها زمانی که به عنوان بخشی از یک برنامه یا سیاست انجام شود، پیگیری می شود. معیارهای جرائم جنگی با جرائم بر علیه بشریت تفاوت دارند. کلمه ی سازمان یافته برای مقوله ی دیگری استفاده می شود، در حالیکه بخشی از یک برنامه یا سیاست بودن لازمه ی جرائم جنگی است. اما هر دو مجموعه ی از جرائم، برای پیگیری کردن باید به میزان وسیع و گسترده باشد. جرائم مخالف بشریت در اساس نامه دیوان کیفری بین المللی مشخص شد که با جرائم مشخص شده در مقررات پیش نویس شده ی تخلفات سال ۱۹۹۶ یکسان است. همچنین هر دو سند قانونی مجموعه ی یکسان از معیارهای جرائمی که شایستگی پیگیری جدی را دارند، توصیه می کنند. تفسیر حقوقی ماده ی ۲. از مقررات پیش نویس شده که برای کلمه ی سازمان یافته استفاده می شود، توضیح می دهد که زمانی جرم سازمان یافته می شود که بر طبق سیاست یا برنامه ی از پیش تعیین شده، انجام شود.

جرائم مخالف بشریت، چنانکه در نظامنامه معین شده است، همچنین شامل شکنجه کردن در ماده ی ۷(F)(I) می شود و نژاد پرستی در ماده ی ۷(I)(J) بیان شده است. جرم نژاد پرستی با شرایط و ضوابط گسترده تر از تعریف بیان شده در اجلاس علیه شکنجه مشخص شده است، که به معیارهای متفاوت مربوط می شود. با این وجود، شکنجه، مانند یک بخش از جرائم علیه بشریت است که باید به تنهایی مجازات شود زمانی که به عنوان بخشی از یک رفتار گسترده و سازمان یافته انجام شود. در سالهای اخیر، بخصوص بعد از تصمیمات ICTY Trial Chamber II در مورد Furundzija، جرم شکنجه کردن به عنوان یک جرم بین المللی مورد ملاحظه قرار گرفت بدون این که به جرائم علیه بشریت متصل شود یا موضوعی برای هر نوع فعالیت ویژه باشد.

جرم شکنجه کردن در ماده ی ۲.(iv)(f) از مقررات پیش نویس شده در سال ۱۹۹۶ بیان شده است و در عهدنامه های که در الحاق به ماده ی ۲.(e) از اساس نامه پیش نویس شده وفق حقوق بین الملل برای یک دیوان جزائی و کیفری بین المللی مشخص می شود. اگر چه در نسخه ی نهایی، اساسنامه به جرم تروریست اشاره نشده است. از طرف دیگر جرم گروگان گیری تحت جرائم جنگی قرار گرفته است و در ماده ی ۸(a)(viii) و ماده ی ۸(c)(iii) بیان شده است. جرم حمل و نقل غیر قانونی مواد مخدر و داروها شامل جرائم اساس نامه نمی شود. اگر چه این جرائم و جرائم تروریستی می

تواند به دقت مورد بررسی قرار گیرد و بر اساس دادگاهی که تعریفی موافق از جرم دارد، درباره او رای صادر شود. مطلبی که ممکن است در این باره خاطر نشان شود این است که پیشنهاد کنفرانس سازمان ملل درباره ی استقرار یک دادگاه کیفری بین المللی، در قطعنامه ی E این بود که یک کنفرانس تجدید نظر طبق ماده ۱۲۳ اسسنامه دیوان کیفری بین المللی، جرائم تروریسم و جرائم مواد مخدر را با عقیده برای دستیابی به تعریفی قابل قبول، مورد بررسی قرار داد و این تعریف در لیست جرائم در اختیار دادگاه قرار گرفت.

بخش سوم: جرائم بین المللی و قواعد آمره (Jus cogens)^۱

ما تا حدی مجموعه ی جرائم را که برای الحاق در نظامنامه /اساس نامه دیوان کیفری بین المللی و مقررات جرائم توصیه شده بودند، مورد بررسی قرار دادیم. این مدارک وظایف کیفری افراد را برای پیگردهای قانونی اذعان کرده اند، لیکن بدون پیش داوری نتایج آنها زیرا احتمال دارد نتایج چیزی غیر از محاسبه ی وظایف دولتها باشد. این امر کاملاً روشن است که قتل عام نمی تواند ایجاد شود یا ادامه پیدا کند اگر مشارکت و همدستی دولت در قلمروی که جرم اتفاق افتاده، وجود نداشته باشد. به طور مشابه، دیگر جرائم قابل مجازات تحت نظامنامه باید به میزان وسیعی اتفاق بیفتند یا به صورت اعمال سازمان یافته باشند یعنی بخشی از یک برنامه یا سیاست باشند. تجاوز و تهاجم یک نمونه ی معمولی دیگر از یک جرم اصلی یک دولت است. دلیلی که دولت ها نمی توانند شبیه اشخاص مجازات شوند کاملاً دقیق نیست. ضمانت اجرایی می تواند عملاً به دولتها تحمیل شود، زمانی که مسبب جرائم توسط شورای امنیت یا توسط دولت هایی که به صورت یک جانبه عمل می کنند، مورد بررسی قرار می گیرد. این ضمانت های اجرایی می توانند تاثیر شدیدی بر روی اهداف دولت داشته باشند. استقلال آن بسیار محدود است. عملکرد سازمان نمی تواند رفاه و سلامت افراد را حفظ کند. ضمانت اجرایی که به عراق و افغانستان در زمان حکومت طالبان تحمیل شد، و به لیبی توسط کشورهای متعدد تحمیل شد برخی از نمونه های مجازاتهای اخیر هستند که برای دولتهای متهم یا دولتهایی که جرائم بین المللی را پایه ریزی کرده اند، مقرر شده است. مداخله انسان دوستانه و اعمال

۱- (Jus cogens): به دلیل عدم اجماع در مورد معادل فارسی، اکثراً این کلمه به صورت لاتین و یا در کنار ترجمه: قواعد آمره نوشته

می شود)



ارتش ناتو در کشورهای بالکان، اعمال یک طرفه ای برای مجازات متهم و متوقف کردن ادامه ی کمیسیون جرائم هستند. زمانی که چگونگی مجازات دولتی که متهم می شود یا مسبب ارتکاب یک جرم بین المللی می شود، مشخص نباشد جوامع بین المللی با این معضل برخورد می کنند، اما چه امنیتی برای جمعیت غیر نظامی دولت مورد نظر، که به طور اجتناب ناپذیری متحمل مجازات و تنبیه می شود، وجود دارد. هزینه های اجتماعی و اقتصادی مجازات ها بر روی جمعیت کشور مورد نظر و نیز سومین دولت به طور کلی در هزینه های مجازات های تحمیل شده، در پاسخ به جرائم بین المللی محاسبه نمی شود.

طرح های پیش نویس شده در رابطه با وظایف دولت ها توسط کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۰۲ تکمیل شد، که در آن نتایج مسلمی در مورد یک تخلف جدی تصریح شده است و این تخلف توسط یک دولت از یک قرارداد رسمی تحت معیاری مسلم از قوانین عمومی بین المللی ناشی می شود. ماده ی (۲) ۴. تخلف جدی را این طور معرفی می کند: در گیر شدن با یک شکست و ناکامی سازمان یافته و عظیم توسط دولت مسئول برای انجام یک قرارداد رسمی که از یک معیار مسلم ناشی می شود. نمونه های متعددی از چنین معیارها وجود دارد که در تفسیر این اصل آمده است: منع تجاوز و تهاجم یا استفاده از اجبار و زور بر خلاف اصول منشور سازمان ملل و ممنوعیت اسارت، تجارت برده، نسل کشی، تبعیض نژادی و نژاد پرستی. بعلاوه، به شکنجه اشاره می کند چنانکه ماده ی ۱ توافقنامه بر ضد و علیه شکنجه بیان شده است، قوانین اصلی اعلامیه و تقاضانامه بین المللی حقوق بشر در مورد نبردهای مسلحانه و تعهد به رعایت حق خود مختاری. برونلی اظهار داشت معنی کلی **jus cogens** (قواعد آمره)، که به صورت ماهرانه ذکر شد مشکلات بسیاری به جا می گذارد و اختیارات بسیاری برای مقوله ی **jus cogens** (قواعد آمره)، وجود دارد همان طور که در مندرجات دقیق آن وجود دارد. جنینگز به طور قانع کننده ای از برونلی نقل می کند، همچنین اظهار کرد که او این مطلب را اضافه کرده است "تاثیرات عملی آن در موقعیت های تعیین شده."

در مورد نتایج ویژه ی نقض جدی یک تعهد که از معیارهای قطعی حقوق بین المللی مشترک ناشی می شود، که در ماده ی ۴۱ بیان شده است، کمیسیون خاطر نشان کرد که چنین نتایجی نه تنها در واکنش به دولتهای مسئول ایجاد می شود بلکه برای ایجاد تعاریف قانونی برای تمام تخلفات جدی و شناخته نشده مانند قانونی که به خاطر یک موقعیت ایجاد می شود. این تعریف بدون صدمه به نتایج



کلی و مرتبط در مورد هر رفتار غیر قانونی است. علاوه بر این در ماده ۴۸ (۱)(b)، که توام با پاراگراف (۲)، همانند طرف ثالث یا دولت های دیگر نسبت به دولت صدمه دیده، که میتواند به وظایف دولت مسئول عطف شود و خواستار توقف اعمال غیر قانونی شود، تضمین ها و تعهداتی که تکرار نمی شوند، و عملکرد تعهدات مربوط به غرامت و جبران خسارت به دولت صدمه دیده یا بهره بردار یهایی که نقض کننده ی تعهد هستند، به دولت مسئول عطف می شود.

مواد ۴۱، ۴ و ۴۸ نتیجه ی تلاش و کوشش در بخش کمیسیون حقوق بین الملل برای تعدیل تعریف جرائم بین المللی دولت است، که برای برخی از دولتها و محققان توجیه نشده است و آن را با معنای کلی **jus cogens** (قواعد آمره) و تعهدات **erga omnes** (عام الشمول) جایگزین می کنند. نتایج مقرر شده در مورد بخصوص از یک نقض جدی تعهدات که از معیارهای قطعی ناشی می شود و به طور کلی از مواردی که مربوط به اعمال غیر قانونی دیگر می شوند، متفاوت نیستند. به استثنای این که در موارد پیشین، یک حق و یک تعهد برای همکاری و همیاری وجود دارد که در نهایت منجر به یک نقض جدی می شود. بعلاوه، "استحقاقی" که به دولت های دیگر در برابر دولت صدمه و زیان دیده، داده شده است برای به کار گیری وظایف دولت ها می باشد، اما با محدودیتی ویژه. این نوع قطعنامه ی احساسی و گاهی اوقات نمایشنامه ی خشم آور قابل قبول از تعاریف جرم وابسته به دولت می باشد و ممکن است نتایج ویژه ای در پی داشته باشد، می تواند در اولین منظر برای تغییر موضع با پایانی خوب ظاهر شود.

۲۲۵

اما اگر هجوم طولانی توسط جرائمی باشد که در نهایت به محدوده ی حقوق بین الملل برسند، نتیجه کاملاً منطقی است و نتایج دیگر طبیعی نمی باشند. پلت، یکی از وکلای پرو پا قرص مفهوم کلی جرائم بین المللی متذکر شد که طرح های پیش نویس شده که توسط کمیسیون حقوق بشر تصویب شد توانست تعریف اولیه جرم را نشان دهد، حتی اگر کلمه ی جرم با دقت از متن پاک شده باشد. گاجا توضیح داد که یک شکل اصلی از یک جرم بین المللی این است که توجه و کشش همگانی را جلب کند و این کار با یک قاعده و قانون که تعهد را **erga omnes** و آمره تحمیل می کند، انجام می شود و همچنین توسط یک قانون که برخی از وظایف را نسبت به تمام دولت ها اعمال و لازم الاجرا می کند، حفظ شده است. همچنین در گزارش کمیسیون ماده ی ۱۹ در اولین قرائت تصویب شد، جرائم بین المللی زیر مجموعه ی **jus cogens** (قواعد آمره) هستند. در آن مفهوم، تنها تخلفات جدی از تعهداتی که از معیارهای قطعی عمومی بین الملل ناشی می شوند،



و نه تمام تخلفاتی که در گروه معیارها، برای نتایج ویژه صلاحیت دارند. بالاخره، همانطور که ابی سعب بیان کرد، **jus cogens** (قواعد آمره) مورد بحث در اینجا برای سومین شریک نیست تا ادعای خسارت کند (تا زمانی که منافع شخصی او تحت تاثیر قرار نگیرد)، اما برای حفظ و حراست از قانون، برای استقرار دوباره شرایط قانونی از این قواعد استفاده می شود. او اضافه کرد میزان ارزش افزوده شده به مفهوم جرم بین المللی چنانکه به نقش سومین شریک (طرف ثالث) مربوط می شود، که ممکن است وقایعی را ایجاد کند قبل از مراحل قضایی یا جنبه های دیگر مکانیسم سازمانی اظهار شود، مخصوصا به دلیل این که در بیشتر نمونه های جرائم بین المللی، قربانی وجود ندارد یا در سطح بین الملل، اهمیت کمی دارد.

نتیجه گیری

این مقاله یک نقطه نهایی را به ما نشان می دهد نقطه ای که به عنوان یک نتیجه گیری کلی به ما در فهم مسئولیت بین المللی دولت کمک می کند. یک جهان متمرکز شده با تعداد کمی از قوانین مورد قبول بین المللی که با اسناد و مدارک نسبت داده شده اند و تعاریف ضروری برای سازمان دادن و کنترل واکنش ها به نمایندگی از طرف جوامع بین المللی می باشد. آن سیستمی است که به شکل دیگری ترسیم شده است مانند یک معیار متوالی که در دسترس است تا از تجاوز و تهاجم یک طرفه ی برخی از دولتها برای بدست آوردن مشروعیت با سیاست های نامعین بر اساس واقعیت های ملازم برای اجرای قانون جلوگیری کند. این عقیده ای است که برخی از مفسران را درباره تعاریف بسیار محتاط می کند، که در مورد حقوق بین الملل جهانی به یکدیگر پیوسته اند بدون تلاش و کوشش همزمان برای وضع قوانین عمومی در سطح بین الملل برای حمایت از یک چنین مفهومی. همچنین باید اضافه کرد که با تکیه بر روی وظایف کیفری افراد و فقط مجازات کردن اشخاص، قادر نیستیم موقعیت هایی را که محیط را برای رفتارهای غیرقانونی فراهم می کنند، از بین ببریم. چنانکه چنینگز به درستی متذکر شد که ما نباید برداشتهای اشتباه از دیوان دادرسی نورنبرگ داشته باشیم و از این طریق باور کنیم که ما در حقوق بین الملل پیشرفت کرده ایم. ما باید با انرژی و تفکر قوانین را مورد توجه قرار دهیم چنانکه او خردمندانه عدم کفایت آشکار سیستم قوانین بین المللی را خاطر نشان کرد. با این عدم کفایت سیستم بین المللی دولت ها و وظایف دولت نقش حیاتی را ایفا می کنند.



منابع و مأخذ

1. Factory at Chorzów, Jurisdiction, Judgment No. 8, 1927, PCIJ, Series A, No. 9; Factory at Chorzów, Merits, Judgment No. 138, 1928, PCIJ, Series A, No. 17.
2. Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria; Equatorial Guinea Intervening), Judgment, Merits, ICJ Reports 2002, 3.3.
3. For the text of the articles and a commentary, see Crawford, The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries (2002). See also the earlier work of Rosenne (ed.), The International Law Commission's Draft Articles on State Responsibility (1991). Maurizio Ragazzi (ed.), International Responsibility Today, 271–286.
4. Vienna Convention on Consular Relations, 596 UNTS 261. The Convention, done at Vienna on 24 April 1963, entered into force on 19 March 1967.
5. Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights between the United States of America and Iran, 284 UNTS 93. The Treaty, done at Tehran on 15 August 1955, entered into force on 16 June 1957.
6. Originally commenced in 1999 by the former Federal Republic of Yugoslavia, now Serbia and Montenegro.
7. The ensuing four paragraphs draw on some elements in the essay written by the author in the forthcoming volume edited by Crawford and Pellet, Paris-X Nanterre/LRCIL Handbook on the Law of International Responsibility. The remaining uncertainties in the Commission's articles are elaborated further in this essay.





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی